

فصلنامه دانش انتظامی سمnan ، دوره پانزدهم ، شماره پنجاه و پنجم ، بهار ۱۴۰۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۰۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۱۳

صفحات: ۶۶-۸۴

خرابکاری و امنیت: چالش‌ها و استراتژی‌ها در حفاظت از سایت‌های هنر صخره‌ای

روستایی

نویسندگان:

عدالت زبند کپته^۱، سمیه یوسفی فرد^۲

چکیده

بیشتر سایت‌های هنر صخره‌ای باستانی در جنوب غربی ایالات متحده در مناطق روستایی واقع شده‌اند که نظارت و اجرای قوانین در این مناطق با دشواری‌هایی همراه است. این سایت‌ها به‌طور طبیعی جذابیت خاصی برای بازدیدکنندگان دارند؛ جذابیتی که نه تنها حس کنجکاوی و شگفتی را برمی‌انگیزد، بلکه ممکن است به رفتارهای تخریبی و خرابکارانه نیز منجر شود. بسیاری از شیوه‌های کنترل جرم برای مقابله با خرابکاری، به نظریه‌های سنتی همچون "فضای دفاعی" و "نظریه پنجره شکسته" تکیه دارند، اما این رویکردها در زمینه حفاظت از هنر صخره‌ای معمولاً نتایج مطلوبی ندارند و در برخی موارد حتی ممکن است آسیب‌زا باشند. جرم‌های روستایی، از جمله خرابکاری در این مناطق، در مطالعات جرم‌شناسی به‌طور عمده نادیده گرفته شده‌اند، زیرا بیشتر تحقیقات متمرکز بر مناطق شهری است. در حوزه هنر صخره‌ای، مسأله برخورد با تخریب و حفظ امنیت به پرسش‌های بنیادی درباره روابط انسان با اشیاء و همچنین کنترل و اختیار بر این اشیاء می‌پردازد. این مقاله با تمرکز بر چالش‌های سیاست‌گذاری پلیس در مقابله با نوع خاصی از خرابکاری در فضاهای روستایی، قصد دارد به بحث پیرامون خرابکاری در چنین فضاهایی بپردازد. تحقیق حاضر از روش تحقیق کیفی مبتنی بر تحلیل اسناد و مطالعات موردی استفاده کرده است و داده‌ها از منابع علمی، گزارش‌های دولتی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مدیران سایت‌های هنر سنگی و کارشناسان حفاظت از میراث فرهنگی جمع‌آوری شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که سایت‌های با دسترسی آسان‌تر بیشتر در معرض تخریب و سرقت قرار دارند، در حالی که سایت‌های دورافتاده به‌دلیل مشکلات نظارتی، آسیب کمتری می‌بینند. همچنین، رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های نوین مانند دوربین‌های GPS و پهپادها باعث افزایش بازدید از این سایت‌ها می‌شوند، اما این امر خطرات امنیتی را تشدید می‌کند. همچنین رسانه‌های اجتماعی و دسترسی آسان به اطلاعات مکانی سایت‌ها، خطرات امنیتی و تخریب این آثار را افزایش می‌دهند. همچنین، حفاظت از این سایت‌ها نیازمند توازن بین دسترس‌پذیری عمومی و ایمنی آثار فرهنگی است. این مقاله بر اهمیت محدود کردن انتشار اطلاعات مکانی و استفاده از شیوه‌های نوین نظارتی برای حفاظت مؤثر از سایت‌های هنر سنگی تأکید می‌کند.

کلید واژه ها: نظریه پنجره شکسته، گرافیتی، جرم‌های میراث فرهنگی، هنر صخره‌ای، جرم‌های روستایی، خرابکاری

۱: دکترای تخصصی، مرزبانی - e.zibandeh@yahoo.com

۲: کارشناسی - somayehyousefard@gmail.com

۱. مقدمه

سایت‌های هنر صخره‌ای^۱ باستانی در جنوب غربی ایالات متحده عمدتاً در مکان‌هایی دورافتاده و روستایی قرار دارند که به دلیل دسترسی محدود و نظارت کم، حفاظت از آنها با چالش‌های جدی مواجه است. این آثار هنری شامل حکاکی‌ها، نقاشی‌ها و خراش‌هایی هستند که روی سطوح سنگی ایجاد شده‌اند و تاریخ و فرهنگ بشری را به مدت بیش از ۱۰,۰۰۰ سال نمایان می‌سازد. یکی از مشکلات اساسی در این زمینه، تهدیداتی است که به دلیل گسترش رسانه‌های اجتماعی ایجاد می‌شود. به‌ویژه در دوران معاصر، رسانه‌های اجتماعی موجب افزایش بازدیدکنندگان و به دنبال آن افزایش تهدیدات همچون تخریب و وندالیسم است.

هنر صخره‌ای نه تنها از نظر تاریخی و فرهنگی برای جوامع بومی ارزشمند است، بلکه نقش مهمی در انتقال و تداوم سنت‌های مذهبی و فرهنگی ایفا می‌کند. حفاظت از این آثار هنری نه تنها در بستر بومی و فرهنگی، بلکه در راستای معرفی و آگاهی عمومی از تاریخ تمدن‌های کهن نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. با توجه به دورافتادگی این سایت‌ها، نظارت و حفاظت از آنها به چالشی بزرگ تبدیل شده است. به‌ویژه که در بسیاری از موارد، دسترسی سریع و مداوم به این سایت‌ها ممکن نیست و نهادهای مسئول قادر به نظارت موثر بر آنها نیستند.

این آثار نمایانگر تعامل انسان‌ها با محیط زیست و تاریخ خود هستند و پیوندی عمیق میان گذشته و حال برقرار می‌سازند. گرچه این مکان‌ها از نظر تاریخی و فرهنگی غنی هستند، اما به دلیل دورافتادگی، بسیاری از آنها هنوز ناشناخته مانده‌اند. برای نمونه، در ایالت یوتا تعداد سایت‌های هنر صخره‌ای بین ۸۰,۰۰۰ تا ۱۰۰,۰۰۰ تخمین زده می‌شود، اما تنها حدود ۱۸,۰۰۰ تا ۲۰,۰۰۰ از این سایت‌ها به‌طور رسمی شناسایی و مستند شده‌اند. این مسئله نشان‌دهنده کمبود اطلاعات جامع در خصوص این آثار و تأخیر در مستندسازی و حفاظت از آنها است. این آثار نه تنها به‌عنوان گنجینه‌های فرهنگی و مذهبی اهمیت دارند، بلکه از منظر هنری نیز ارزش فراوانی دارند.

در سال‌های اخیر، توجه ویژه‌ای به حفاظت از هنر صخره‌ای معطوف شده است و سیاست‌های مختلفی برای حفظ و نگهداری این آثار تدوین گردیده است. این سیاست‌ها عمدتاً تحت نظارت و

۱. هنر صخره‌ای به آثار هنری اطلاق می‌شود که بر روی سطح سنگ‌ها یا صخره‌ها حکاکی یا نقاشی شده‌اند و به عنوان یکی از قدیمی‌ترین اشکال هنر بشری شناخته می‌شوند. این آثار معمولاً در مناطق طبیعی و صعب‌العبور قرار دارند و ممکن است شامل تصاویر از حیوانات، انسان‌ها، نمادها و نقوش هندسی باشند. این آثار نه تنها از نظر هنری، بلکه از دیدگاه فرهنگی و تاریخی نیز ارزشمند هستند و ممکن است به بررسی‌های باستان‌شناسی در زمینه‌های مختلف کمک کنند. در برخی از مناطق جهان، هنر صخره‌ای هنوز هم به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی و معنوی جوامع بومی مورد احترام قرار دارد.

مدیریت نهادهای فدرال، ایالتی و محلی قرار دارند، اما چالش‌های مختلفی همچنان در زمینه حفاظت از این آثار در برابر تهدیدات، از جمله تخریب و آسیب‌های جنایی، وجود دارد.

سایت‌های هنر صخره‌ای به دلیل ویژگی‌های خاص خود، مانند دورافتادگی او محدودیت در دسترسی، در معرض تهدیدهای مختلفی قرار دارند. اگر چه این سایت‌ها در مناطق روستایی و کم‌جمعیت واقع شده اند، جذابیت و کنجکاو که این آثار برمی‌انگیزند، باعث جذب افراد به این مکان‌ها می‌شود. این جذابیت‌ها می‌توانند منجر به فعالیت‌های خرابکارانه و غیرقانونی شوند که شامل سرقت آثار هنری از مکان‌های اصلی، خرابکاری‌هایی نظیر نوشتن نام‌ها و تاریخ‌ها بر روی سنگ‌ها، شلیک گلوله به سایت‌ها و حتی آسیب‌های ثانویه‌ای همچون ادرار کردن یا روشن کردن آتش در نزدیکی آثار است.

با وجود واقعیت اینکه بسیاری از سایت‌ها در مناطق دورافتاده قرار دارند، نظارت بر آن‌ها همچنان به دلیل مشکلات مربوط به دسترسی و شرایط خاص این مکان‌ها دشوار است. برای نمونه، در ایالت یوتا، بیش از ۶۰ درصد از اراضی تحت مالکیت فدرال قرار دارند که نظارت و کنترل بر آنها را به چالشی جدی تبدیل می‌کند. علاوه بر این، بیش از ۶۰,۰۰۰ سایت هنر صخره‌ای در این ایالت هنوز شناسایی نشده‌اند و از دید مقامات پنهان مانده‌اند.

این مقاله با هدف بررسی چالش‌های نظارت و حفاظت از هنر صخره‌ای در این سایت‌های دورافتاده نوشته شده است. برای حفاظت مؤثر، نیاز به روش‌های نظارتی جدید و توجه ویژه به استفاده از فناوری‌های پیشرفته در مدیریت و محافظت از این سایت‌ها ضروری است. سوال اصلی آن این است که چگونه می‌توان این سایت‌ها را از تهدیدات جنایی و خرابکاری‌ها محافظت کرد و در عین حال از جنبه‌های فرهنگی و تاریخی آنها دفاع نمود. نکته جالب توجه این است که نتایج اولیه تحقیقات نشان می‌دهند که دورافتادگی این سایت‌ها ممکن است خود عاملی برای حفاظت از آنها باشد. به عبارت دیگر، امنیت این سایت‌ها نه از طریق نظارت مستقیم، بلکه به دلیل دوری از دسترس و محدود بودن فعالیت‌های انسانی، تا حدی تأمین می‌شود.

۱. در مقاله، مفهوم "دورافتادگی" یا "Isolation" به وضعیت یا فرآیندی اشاره دارد که در آن افراد یا گروه‌ها از جامعه اصلی یا منابع اصلی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جدا می‌شوند. این حالت می‌تواند به دلایل مختلفی مانند تبعیض، نابرابری‌های اجتماعی، یا سیاست‌های جداسازی ایجاد شود. دورافتادگی می‌تواند به افزایش مشکلات اجتماعی، روانی و اقتصادی منجر شود و افراد یا گروه‌ها را در موقعیت‌های آسیب‌پذیر قرار دهد. در زمینه پلیس و پلیس‌گذاری، این مفهوم می‌تواند به تجزیه و تحلیل نحوه تعامل پلیس با گروه‌هایی که به دلایل مختلف از جریان اصلی جامعه جدا شده‌اند، مرتبط باشد.

۲. چارچوب نظری

در این تحقیق، برای تحلیل و درک بهتر موضوع هنر صخره‌ای و حفاظت از آن در برابر تخریب و وندالیسم، از نظریه‌ها و مفاهیم اصلی در حوزه جرم‌شناسی و نظریه‌های اجتماعی بهره گرفته شده است. این نظریه‌ها به‌ویژه در مناطق روستایی و دورافتاده اهمیت دارند، جایی که الگوهای جرم‌شناسی شهری به‌طور مستقیم قابل اعمال نیستند.

اولین نظریه‌ای که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود، نظریه فرصت‌مدار است. بر اساس این نظریه، افراد زمانی به ارتکاب جرم تمایل پیدا می‌کنند که فرصت‌هایی برای جرم وجود داشته باشد که پاداش آن بالا و خطر آن کم باشد. در خصوص سایت‌های هنر صخره‌ای، این نظریه می‌تواند توضیح دهد که چرا این مکان‌ها ممکن است هدف تخریب قرار گیرند و چگونه ویژگی‌های محیطی آن‌ها می‌تواند فرصت ارتکاب جرم را کاهش دهد (لینچ و کانتور، ۱۹۹۲).

نظریه دیگر که در این تحقیق بررسی می‌شود، نظریه فعالیت‌های روزمره است. این نظریه به نقش کمبود نظارت و حضور نگهبانان در این سایت‌ها تأکید می‌کند و بیان می‌کند که نبود نگرهبانی کافی می‌تواند احتمال تخریب را افزایش دهد (کوهن و فلیسون، ۱۹۷۹). در این راستا، نظریه «شکستن پنجره» نیز مد نظر قرار می‌گیرد که براساس آن، محیط‌های ضعیف نگهداری شده می‌توانند باعث جذب رفتارهای مجرمانه مانند گرافیتی شوند (ولسون و کلوگ، ۱۹۸۲).

در نهایت، نظریه «عاملیت اشیاء» به تحلیل تأثیرات هنر صخره‌ای و نحوه تعامل انسان‌ها با این آثار می‌پردازد. طبق این دیدگاه، آثار هنری مانند هنر صخره‌ای می‌توانند به‌طور فعال بر رفتار و انگیزه‌های افراد تأثیر بگذارند و حتی در برخی موارد موجب تشویق به تخریب شوند. این نظریه با توجه به تعاملات اجتماعی و فرهنگی با این آثار، به‌ویژه در مکان‌های دورافتاده، می‌تواند در تحلیل رفتارهای مجرمانه مفید باشد. بنابراین، این تحقیق بر اساس ترکیبی از نظریه‌های جرم‌شناسی، فرصت‌مداری و اجتماعی استوار است و تلاش می‌کند تا الگوهای جدیدی برای حفاظت و پیشگیری از تخریب هنر صخره‌ای در سایت‌های دورافتاده و روستایی می‌باشد.

۳. روش تحقیق

در این مقاله، از روش تحقیق کیفی استفاده شده است که مبتنی بر تحلیل محتوای موجود در منابع علمی، گزارش‌های میدانی، و تجربیات متخصصان حوزه حفاظت از میراث فرهنگی است. به‌ویژه، روش‌های مورد استفاده شامل تحلیل اسناد و مقالات علمی، بررسی مطالعات موردی، و تحلیل وضعیت فعلی سایت‌های هنر سنگی در مناطق روستایی و دورافتاده بوده است. همچنین،

برخی از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مدیران سایت‌های هنر سنگی و کارشناسان حوزه حفاظت، به‌عنوان بخشی از روش تحقیق، برای به‌دست‌آوردن اطلاعات دست اول در زمینه چالش‌ها و شیوه‌های حفاظتی انجام شده است. این اطلاعات به‌ویژه در بخش‌های مرتبط با تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر امنیت سایت‌ها و روش‌های حفاظتی مطرح گردید.

۴. وندالیسم^۱ در نظریه جرم‌شناسی

در جرم‌شناسی، وندالیسم (تخریب عمدی اموال و آثار عمومی به‌طور غیرقانونی و غیرمنطقی) عموماً از دو جنبه بررسی می‌شود: اول، تحلیل انگیزه‌ها و شیوه‌های مرتکبان جرم و دوم، تمرکز بر ویژگی‌ها و شرایط محیطی که در آن جرم اتفاق می‌افتد. لووی-لبوئر^۲ (۱۹۸۴) تخریب‌گری را به‌طور سنتی به‌عنوان "رفتاری بی‌معنی، غیرمنطقی یا حتی بیماری‌گونه" توصیف کرده است. همچنین، این رویکرد تخریب‌گری به‌عنوان نوعی شورش اجتماعی و اعتراض به مقامات و تخریب محیط‌های آسیب‌پذیرتر معرفی می‌کند. (لووی-لبوئر ۱۹۸۴)

این دیدگاه‌ها به‌دلیل عدم توانایی در تبیین تمام ابعاد تخریب‌گری انتقاد شده‌اند و به همین دلیل پیشنهاد شده است که این پدیده باید از دیدگاه رابطه پیچیده میان فرد و محیط مورد بررسی قرار گیرد؛ به‌طوری که محیط به‌عنوان یک کل اجتماعی-فیزیکی در نظر گرفته شود (لووی-لبوئر، ۱۹۸۴).

مفهوم "فضای قابل دفاع"^۳ (که به محیط‌هایی اطلاق می‌شود که با تغییرات محیطی یا طراحی‌های خاص، به‌منظور پیشگیری از جرم و تخریب ایجاد می‌شوند) اولین بار توسط نیومن در

۱. وندالیسم (Vandalism) به معنای تخریب یا آسیب عمدی به اموال عمومی یا خصوصی است، که معمولاً به‌دلیل انگیزه‌های شخصی، اجتماعی یا حتی بی‌توجهی به قوانین و اخلاق انجام می‌شود. این عمل می‌تواند شامل خرابکاری‌هایی مانند نقاشی دیوارها، شکستن اشیاء، یا آسیب زدن به آثار هنری باشد. در زمینه‌های باستان‌شناسی و هنرهای تاریخی، وندالیسم اغلب به آسیب‌هایی اشاره دارد که به آثار فرهنگی و هنری، مانند هنر صخره‌ای یا پترگلیف‌ها (Petroglyphs)، وارد می‌شود. این نوع تخریب نه تنها به اعتبار و ارزش آثار تاریخی آسیب می‌زند بلکه باعث از دست رفتن اطلاعات و میراث فرهنگی مهمی می‌شود که نسل‌های آینده می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند. وندالیسم در دنیای مدرن، به‌ویژه با استفاده از رسانه‌های اجتماعی، از اهمیت بیشتری برخوردار شده و در مواردی، حتی می‌تواند به بخشی از رفتارهای معترضان یا غیرقانونی تبدیل شود.

2. L. Levy-Leboyer

۳. مفهوم "فضای قابل دفاع" یا "Defensible Space" به محیط یا مکانی اشاره دارد که در آن می‌توان از یک منطقه یا موقعیت به خوبی دفاع کرد و در برابر تهدیدات یا حملات مقاومت کرد. این مفهوم اغلب در زمینه‌های امنیتی، نظامی و حتی شهری به کار می‌رود. در طراحی شهری، فضای قابل دفاع به فضایی اطلاق می‌شود که به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به راحتی قابل کنترل و نظارت هستند و از ورود افراد غیرمجاز یا تهدیدات جلوگیری می‌شود. در این فضاها، معماری و طراحی به نحوی است که امنیت ساکنان و کاربران آن‌ها را افزایش می‌دهد، به‌ویژه در برابر تهدیدات خارجی یا مشکلات اجتماعی. این مفهوم می‌تواند در زمینه‌های مختلفی از جمله نظامی، معماری و امنیتی کاربرد داشته باشد و بر اهمیت طراحی محیط‌های شهری برای جلوگیری از جرم و حفظ امنیت تأکید دارد.

سال ۱۹۷۲ معرفی شد و در آثار بعدی او گسترش یافت (مثلاً نیومن ۱، ۱۹۹۶). نیومن تغییرات محیطی را به‌عنوان یکی از راهکارهای اصلی برای مقابله با تخریب گری و جرم‌زدایی در نظر گرفت. او معتقد بود که اگر از ساکنان مسئولیت مناطقی را بر عهده بگیرند و فضای عمومی را "حیاط شخصی خود" بدانند این امر می‌تواند منجر به افزایش نظارت و خودکنترلی شود (نیومن، ۱۹۹۶). از سوی دیگر، افرادی مانند کارتر^۲ (۱۹۸۴) بر این باور بودند که تخریب گری باید به‌عنوان "فرآیندی اجتماعی و فیزیکی" در نظر گرفته شود و بنابراین، راه‌حل‌های صرفاً فیزیکی به‌تنهایی کارآمد نخواهد بود و ممکن است مشکلات بیشتری ایجاد کنند.

نیومن در زمینه جرم‌شناسی تغییرات قابل توجهی ایجاد کرد. او به ویژه به عواملی که شرایط لازم برای ارتکاب جرم را فراهم می‌کنند، توجه کرد و آن را جایگزین بررسی صرف انگیزه‌های مرتکبان تخریب گری کرد (تیکریو^۳، ۱۹۹۸). در این زمینه، نظریه‌های فرصت‌مدار مانند نظریه "فعالیت‌های روتین"^۴ (کوهن و فلیسون^۵، ۱۹۷۹) مفاهیم نیومن را به‌کار می‌گیرند و بیان می‌کنند که "عوامل طراحی محیطی" می‌توانند افراد را ترغیب یا از هدف‌گیری یک شیء یا منطقه خاص منصرف کنند (لینچ و کانتور^۶، ۱۹۹۲). این نظریه‌ها اغلب "راهنماهای عملی‌تری" برای پیشگیری از جرم ارائه می‌دهند، در مقایسه با نظریه‌هایی که فقط به انگیزه‌های فردی تمرکز دارند (لینچ و کانتور، همان).

نظریه‌های فرصت‌مدار بیشتر بر کاهش فرصت‌های وقوع جرم تأکید دارند (گسون و ویلسون^۷، ۱۹۹۰). استراتژی‌هایی مانند "سخت‌سازی هدف" که از موادی که در برابر آسیب استفاده می‌شود، توسط پلیس در مناطق روستایی برای جلوگیری از جرم به‌کار گرفته می‌شوند (الکساندر^۸، ۲۰۱۹). همچنین، استراتژی‌هایی مانند افزایش نظارت، روشنایی بیشتر، مراقبت از درختان و

1 . Newman

2 . Carter

3 . Tijerino

۴ . نظریه فعالیت‌های روتین (Routine Activity Theory) به توضیح این موضوع می‌پردازد که چگونه وقوع جرائم به‌طور قابل‌توجهی تحت تأثیر الگوهای روزمره و فعالیت‌های عادی افراد در جامعه است. این نظریه به‌ویژه در حوزه جرم‌شناسی مطرح شده و بیان می‌کند که برای وقوع یک جرم، سه عامل اصلی باید در زمان و مکان مناسب همزمان وجود داشته باشند: مهاجم فرصت‌طلب (فردی که قصد ارتکاب جرم دارد)، هدف مناسب (فرد یا دارایی که هدف جرم قرار می‌گیرد) و عدم حضور مراقب یا نظارت (عدم وجود افرادی که بتوانند مانع جرم شوند). طبق این نظریه، تغییرات در فعالیت‌های روزمره افراد، مانند تغییر در مکان‌های حضور یا افزایش تنهایی، می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای ارتکاب جرم ایجاد کند. به عبارت دیگر، جرائم به‌طور مستقیم وابسته به زمان و مکان وقوع فعالیت‌های روتین افراد هستند.

5 . Cohen & Felson.

6 . Lynch & Cantor

7 . Geason & Wilson

8 . Alexander

درختچه‌ها برای بهبود دید و برنامه‌های نظارت محله‌ای به‌عنوان راهکارهایی برای مقابله با تخریب گری مطرح هستند (اسکات، لا وینگه، و پالمرا، ۲۰۰۷).

ایده فضای دفاعی در این زمینه بحث جدی را در مورد چگونگی استفاده از محیط ساخته‌شده برای پیشگیری از جرم ایجاد کرد. این امکان را مطرح ساخت که می‌توان احتمال وقوع جرم را از طریق طراحی محیطی کاهش داد (تیخریو، ۱۹۹۸). این دیدگاه با نظریه "شیشه شکسته"^۲ ویلسون و کلینگ^۳ (۱۹۸۲) هم راستا است. آن‌ها فرض کردند که رابطه‌ای میان حفظ نظم و جلوگیری از جرم وجود دارد و معتقد بودند که "یک شیشه شکسته تبدیل به بسیاری می‌شود" (ویلسون و کلینگ، ۱۹۸۲). به عبارت دیگر، اگر جرائم کوچک نادیده گرفته شوند، جرائم بزرگ‌تر گسترش خواهند یافت. این رویکرد صفر تحمل در چندین شهر، به‌ویژه در نیویورک، به‌کار گرفته شد، جایی که جرائم کوچک علیه اموال به‌طور جدی پیگیری می‌شود (برای مثال، قانون جزایی ایالت نیویورک S. ۱۴۵۶۰، گرافیتی را به‌عنوان تخلف درجه A معرفی می‌کند).

نظریه‌های فضای دفاعی نیومن و شیشه شکسته ویلسون و کلینگ به‌طور قابل توجهی بر درک عمومی و سیاست‌های توسعه شهری و مسکن تأثیر گذاشته‌اند (سیسنروس^۴، ۱۹۹۵). نیومن در کتاب خود استدلال کرده است که فضای دفاعی ممکن است "آخرین سنگر مرد شهری باشد که به یک جامعه باز متعهد است" (نیومن، ۱۹۷۲).

در این تحلیل‌ها، بیشتر توجه به محیط‌های شهری معطوف شده است. در حقیقت، تخریب گری و جرائم روستایی اغلب در حاشیه علم جرم‌شناسی قرار دارند و این رشته بیشتر تحت تسلط نظریه‌ها و رویکردهای مربوط به محیط‌های شهری است (ویس‌های و ولز^۵، ۱۹۹۶؛ سامرویل، اسمیت و مک‌الوی^۶، ۲۰۱۵؛ پویسر و پویسر^۷، ۲۰۱۸). به همین دلیل، ارزیابی و قابلیت کاربرد

1 . Scott, Vigne, & Palmer

۲. نظریه "شیشه شکسته (Broken Windows Theory)" که توسط James Q. Wilson و George L. Kelling در دهه ۱۹۸۰ معرفی شد، بیان می‌کند که عدم رسیدگی به تخلفات جزئی و بی‌نظمی‌ها در یک محیط می‌تواند باعث افزایش جرائم بزرگ‌تر و خشونت‌آمیزتر شود. طبق این نظریه، هنگامی که در یک محله شیشه شکسته‌ای وجود داشته باشد و کسی آن را تعمیر نکند، این بی‌توجهی به کوچک‌ترین تخلفات و بی‌نظمی‌ها، به‌طور نمادین پیام بی‌توجهی به قوانین و نظم را به افراد منتقل می‌کند. این وضعیت باعث می‌شود که رفتارهای خرابکارانه و جرم‌های بزرگ‌تر نیز در آن محیط رواج پیدا کنند. در نتیجه، بر اساس این نظریه، برای جلوگیری از جرم و حفظ نظم اجتماعی، باید به تخلفات کوچک مانند خرابکاری، هنجارشکنی یا بی‌نظمی‌ها توجه ویژه‌ای شود تا از گسترش جرائم بزرگ‌تر جلوگیری شود. این نظریه در بسیاری از برنامه‌های پلیسی به کار رفته است، به‌ویژه در عملیات‌هایی که بر برخورد با تخلفات جزئی تمرکز دارند.

3 . Wilson & Kelling

4 . Cisneros

5 . Weisheit & Wells

6 . Somerville, Smith & McElwee

7 . Poyser & Poyser

نظریه‌های موجود در محیط‌های روستایی امری ضروری است (ویس‌های و ولز، ۱۹۹۶). حتی زمانی که این نظریه‌ها به محیط‌های روستایی تعمیم داده می‌شوند (مثل پویسر و پویسر ۲۰۱۸)، نتایج نشان می‌دهند که باید تعریف دقیقی از جرائم روستایی ارائه شود و نظریه‌ها باید به‌گونه‌ای توسعه یابند که برای این زمینه‌ها کاربردی‌تر شوند. با تمرکز بر چالش‌های خاص پلیسی در مقابله با تخریب گری روستایی، هدف این است که به گسترش بحث درباره این نوع رفتار در فضاهای کمتر شهری کمک کرده و به پیشرفت جرم‌شناسی روستایی افزوده شود.

۵. امنیت و ریسک در سایت‌های هنر سنگی روستایی: نزدیکی به عنوان حفاظت و نزدیکی به عنوان ریسک

در سال ۱۹۶۴، ارنست اسنایدر از ۴۱۹ پانل هنر سنگی^۱ در ۱۰۹ سایت مختلف واقع در کوه‌های جنوبی نزدیک فینیکس، آریزونا عکس گرفت. در سال ۱۹۹۱، جی. جی. گولیو دوباره به ۴۰۱ پانل از آن‌ها سر زد تا آسیب‌های مختلف واردشده به آن‌ها را ارزیابی کند (گولیو و اسنایدر،^۲ ۱۹۹۳). طی تقریباً سه دهه بین دو نظرسنجی، شهر فینیکس به شدت گسترش یافته بود و این تغییرات سبب شد که برخی از سایت‌های هنر سنگی که پیش‌تر در مناطق روستایی قرار داشتند، اکنون به جوامع شهری نزدیک‌تر شوند. گولیو و اسنایدر (۱۹۹۳) مفهوم «دسترس‌پذیری آسان» به عنوان "نزدیکی به پارکینگ‌ها، جاده‌ها، مسیرها یا نواحی توسعه‌یافته" دانستند. در این بررسی، آن‌ها دریافتند که در حالی که ۴۶.۳ درصد از سایت‌های هنر سنگی با دسترسی آسان در طی این مدت آسیب دیده‌اند، تنها ۱۵ درصد از سایت‌های دورافتاده دچار آسیب شده بودند. به عبارت دیگر، سایت‌هایی که در نزدیکی جاده‌ها یا مناطق توسعه‌یافته قرار داشتند، سه برابر بیشتر در معرض آسیب قرار گرفتند (گولیو و اسنایدر، ۱۹۹۳). بنابراین، سایت‌هایی که نظارت بر آن‌ها راحت‌تر بود، بیشتر در معرض جرایم و آسیب‌های مختلف قرار داشتند.

با این حال، بازاندیشی در این موضوع نشان می‌دهد که در حالی که مکان‌های دورافتاده ممکن است در شناسایی جرم‌ها موثر باشند، بیشتر جرایم مرتبط با سایت‌های هنر سنگی لزوماً به

۱. هنر سنگی (Petroglyphs) به تصاویری اطلاق می‌شود که به‌وسیله حکاکی یا تراشیدن بر روی سطح سنگ‌ها ایجاد می‌شوند. این نوع هنر از دوران باستان تاکنون در فرهنگ‌های مختلف و در سراسر جهان مشاهده می‌شود و معمولاً برای انتقال پیام‌های فرهنگی، دینی یا نمادین به کار می‌رفته است. هنر سنگی می‌تواند شامل تصاویر مختلفی مانند حیوانات، انسان‌ها، نمادها، و اشکال هندسی باشد و بیشتر در مناطق کوهستانی یا صخره‌ای پیدا می‌شود. این آثار به عنوان یک جزء مهم از میراث فرهنگی انسان‌ها شناخته می‌شوند و نقش مهمی در درک تاریخ، باورها، و زندگی اجتماعی جوامع گذشته ایفا می‌کنند. هنر سنگی نه تنها در تاریخ‌نگاری فرهنگی، بلکه در زمینه باستان‌شناسی و حفاظت از میراث فرهنگی نیز اهمیت زیادی دارد.

دورافتادگی وابسته نیستند. به عنوان مثال، دزدی عمدی آثار هنری برای فروش یا جمع آوری شخصی معمولاً فرآیندی زمان‌بر و پر سر و صداست که نیازمند تلاش زیادی است. این عمل معمولاً زمان‌بر است و نیاز به چندین بازدید از سایت در روزهای مختلف دارد. در حالی که مکان‌های دورافتاده ممکن است به پنهان‌سازی سرقت‌ها کمک کنند، در عین حال چالش‌های لجستیکی بسیاری را به همراه دارند که از جمله آن‌ها نیاز به ابزارهای خاص برای برش و حمل آثار است، همچنین، این سرقت‌ها به دستگاه‌های قدرتمندی مانند ژنراتورها و وسایل نقلیه برای حمل سنگ‌ها به کامیون نیاز دارند. بنابراین، در حالی که دورافتادگی ممکن است نظارت بر سایت‌های هنر سنگی را دشوار کند، از سوی دیگر می‌تواند دزدی را کاهش دهد.

نکته دیگر مربوط به "خرابکاری‌هایی مانند گرافیتی"¹، شلیک به هدف و ادرار کردن در سایت‌های هنر سنگی است. این نوع فعالیت‌ها معمولاً با مفاهیم کلاسیک خرابکاری، همچون رفتارهای جوانان بی‌حوصله که در پی سرگرم شدن و تحت فشار همسالان عمل می‌کنند، هم‌خوانی دارد (دَنرمیر و هاوارد^۲، ۱۹۸۱). در این راستا، افرادی که در این تحقیق به‌عنوان ذینفعان مصاحبه شده‌اند، بر این باورند که بیشتر خرابکاری‌ها توسط جوانانی صورت می‌گیرد که در نزدیکی سایت‌های هنر سنگی حضور دارند. سایت‌هایی که در حاشیه‌های سکونتگاه‌های انسانی قرار دارند، معمولاً هدف تخریب و رفتارهای انحرافی قرار می‌گیرند، چرا که دسترسی راحت به آن‌ها وجود دارد، مانند جاده‌ها و مسیرهای پیاده‌روی. اگرچه تخریب یک سایت هنر سنگی در مکان‌های دورافتاده ممکن است خطر شناسایی را کاهش دهد، اما احتمالاً کسی در مسیرهای عادی خود به این سایت‌ها نمی‌رسد. از آنجا که خرابکاری معمولاً به‌عنوان بخشی از رفتار اجتماعی و تحت فشار همسالان اتفاق می‌افتد (مثلاً، خرابکاری‌های دانش‌آموزی در مدارس) (د و ت^۳، ۲۰۰۴)، این نوع خرابکاری معمولاً در مکان‌هایی رخ می‌دهد که دسترسی راحت به آن‌ها وجود دارد، مانند جاده‌ها، مسیرهای پیاده‌روی مشخص و نقاط قابل علامت‌گذاری.

۱. خرابکاری‌هایی مانند گرافیتی به نقاشی‌ها یا نوشته‌هایی گفته می‌شود که به‌طور غیرمجاز بر روی دیوارها، ساختمان‌ها یا فضاهای عمومی ایجاد می‌شوند. این نوع هنر خیابانی معمولاً بدون اجازه مالک یا نهاد مسئول در مکان‌های عمومی انجام می‌شود و می‌تواند به صورت تصاویر، نوشته‌ها، یا طرح‌های گرافیکی باشد. در بسیاری از موارد، گرافیتی به عنوان یک نوع خرابکاری یا آسیب به اموال عمومی و خصوصی در نظر گرفته می‌شود، مگر اینکه در چارچوب‌های قانونی و هنری مانند گالری‌ها یا فضاهای مجاز انجام شود. گرافیتی می‌تواند هم به عنوان شکلی از اعتراض اجتماعی، بیان هنری یا حتی به منظور ایجاد زیبایی در نظر گرفته شود، اما در بسیاری از جوامع به دلیل تأثیرات منفی آن بر نمای شهری و حس امنیت عمومی، به عنوان یک جرم یا تخلف شناخته می‌شود.

2. Donnermeyer & Howard

3. De Wet

در مناطق روستایی که سایت‌های هنر سنگی هنوز قابل بازدید هستند، این سایت‌ها معمولاً هدف مداخلات امنیتی قرار می‌گیرند، هرچند اثر بخشی این مداخلات به بحث و جدل کشیده شده است. به‌عنوان مثال، در یوتا، تنها حدود بیست سایت هنر سنگی از میان بیش از ۲۰ هزار سایت شناخته‌شده و صدها هزار سایت ناشناخته، با نصب ویژگی‌های امنیتی سخت‌افزاری مانند موانع دسترسی محافظت می‌شوند. این سایت‌ها معمولاً از دو جنبه در معرض ریسک قرار دارند: یا هنر سنگی موجود در آن‌ها بسیار مهم یا زیباست، به‌طوری‌که مردم را به خود جذب می‌کند، یا اینکه در مکان‌هایی با دسترسی آسان و نزدیک به فعالیت‌های انسانی قرار دارند. با این حال، مسئولین حفاظت از سایت‌های هنر سنگی اغلب بر این باورند که تدابیر حفاظتی مانند نصب موانع و تابلوهای "ممنوع لمس کردن" ممکن است توجه بیشتری جلب کرده و به‌طور غیرمستقیم منجر به افزایش خرابکاری‌ها شوند. این سایت‌ها به‌طور غیرمستقیم به مکان‌هایی برای اعمال «خرابکاری جوانان» تبدیل می‌شوند که هدف از تدابیر امنیتی، جلوگیری از همین رفتارها است (هیگینز^۱، ۱۹۹۲). همانطور که (اس. کوهن^۲، ۱۹۷۳) در یکی از مطالعات خود بیان کرده، «ما یک تابلو می‌دیدیم که نوشته بود 'لطفاً خیابان را تمیز نگه دارید' اما آن را پاره می‌کردیم و می‌گفتیم: 'ما حالا تمیز نگه داشتنش را احساس نمی‌کنیم'».

۶. مکان‌های مخفی به‌عنوان امنیت

اگر دورافتادگی از سایت‌های هنر سنگی می‌تواند از تخریب آن‌ها محافظت کند (قرار گرفتن این سایت‌ها در مناطق دور از دسترس و در فاصله‌ای از جمعیت و سکونتگاه‌ها) و در عین حال سخت‌سازی این سایت‌ها توسط برخی از مدیران امنیتی ممکن است باعث جذب خرابکاران بیشتر شود، بنابراین اقدامات امنیتی دخالت‌گر برای پیشگیری از جرم در بسیاری از سایت‌های هنر سنگی روستایی ممکن است مناسب نباشند. یکی از دلایل این امر غیرممکن بودن تأمین امنیت برای ده‌ها هزار سایت هنر سنگی دورافتاده است. به همین دلیل، تمرکز حفاظت غیرمستقیم معطوف به جلوگیری از دسترسی به این سایت‌ها شده است.

حفاظت از سایت‌های میراث فرهنگی، از جمله سایت‌های هنر سنگی، معمولاً با استفاده از اصطلاحاتی مانند «حفاظت برای تمامی بشریت» مطرح می‌شود که به‌معنای دسترسی عمومی نیست، بلکه به معنای حفظ این آثار برای نسل‌های آینده است. با این حال، «حفاظت برای تمامی

1 . Higgins

2 . Cohen

بشریت^۱ به معنی دسترسی برای تمامی بشریت نیست، زیرا همانطور که پیش تر ذکر شد، دسترسی خود می‌تواند عاملی برای تخریب سایت‌ها باشد. برای مثال، در مورد هنر سنگی، دسترسی به سایت‌ها می‌تواند موجب تخریب عمدی و غارت آن‌ها شود. بنابراین، حفاظت از بسیاری از سایت‌های هنر سنگی دورافتاده و غیرسخت‌شده به معنی جلوگیری از تبلیغ این سایت‌ها به‌عنوان مقاصد گردشگری عمومی است. این حفاظت اغلب به معنای محدود کردن فرصت‌های عمومی برای کشف مکان‌های حساس است، هرچند که در زمین‌های روستایی و عمومی، هیچ دستورالعمل یا ابزار فیزیکی برای جلوگیری از ورود مردم به این سایت‌ها وجود ندارد.

در جوامع باستان‌شناسی، معمولاً از انتشار مکان‌های دقیق سایت‌های باستان‌شناسی، از جمله سایت‌های هنر سنگی، در مقالات علمی یا رسانه‌های عمومی خودداری می‌شود. این نتیجه‌گیری مبتنی بر پایه تجربه‌ای جمعی است که نشان می‌دهد پس از انتشار عمومی مکان این سایت‌ها، اغلب هدف سرقت یا خرابکاری قرار می‌گیرند. (هیگینز، ۱۹۹۲) اطلاعات مکانی این سایت‌ها معمولاً تنها در اختیار متخصصان قرار می‌گیرد و انتشار عمومی این اطلاعات تهدیدی جدی برای امنیت سایت‌ها به حساب می‌آید. بسیاری از آژانس‌های دولتی و فدرال مسئول حفاظت از این سایت‌ها هستند و معمولاً دسترسی به داده‌های مکانی این سایت‌ها را محدود می‌کنند، به‌ویژه از طریق عدم دسترسی به پایگاه‌های داده جغرافیایی آنلاین یا از طریق ارجاع دادن پرسش‌های عمومی به دفاتر نیمه‌مخصوص.

مدیران میراث، گروه‌های علاقه‌مند و شوراها گردشگری معمولاً فقط لیستی از سایت‌های هنر سنگی سخت‌شده و قابل دسترسی به‌طور قانونی به عموم ارائه می‌دهند. این سایت‌ها معمولاً با دستورالعمل‌هایی همراه هستند که به بازدیدکنندگان هشدار می‌دهند که خرابکاری در این سایت‌ها جرم فدرال است و از آن‌ها می‌خواهند از تلاش برای حذف خرابکاری‌ها خودداری کنند تا از آسیب بیشتر جلوگیری شود (برای مثال، دفتر گردشگری یوتا). این نوع اقدامات امنیتی بمنظور پیشگیری از خرابکاری و حفاظت از میراث فرهنگی است.

۱. حفاظت «برای تمامی بشریت» به مفهومی اشاره دارد که بر اساس آن، تمامی افراد جهان بدون توجه به ملیت، مذهب، جنسیت یا هر ویژگی دیگری، باید از حقوق بنیادین و حفاظت‌های لازم برخوردار شوند. این مفهوم معمولاً در زمینه‌های حقوق بشر، کمک‌های بشردوستانه و اقدامات بین‌المللی در برابر بحران‌ها و جنگ‌ها مطرح می‌شود. هدف اصلی آن ایجاد یک سیستم جهانی است که در آن هیچ‌کس از حمایت‌های اساسی در برابر نقض حقوق بشر، ظلم یا تبعیض محروم نباشد. این رویکرد بر اهمیت همکاری‌های جهانی، عدالت و احترام به کرامت انسانی تاکید دارد و به دنبال ایجاد جهانی عادلانه‌تر و امن‌تر برای همه انسان‌ها است.

عدم انتشار مکان‌های دقیق سایت‌های هنر سنگی اغلب با اشتراک‌گذاری کنترل‌شده اطلاعات مکانی در قالب برنامه‌های مدیریت سایت همراه است که به‌طور داوطلبانه تخریب‌ها را نظارت کنند بدون اینکه نیاز به مداخلات هزینه‌بر حرفه‌ای باشد. به‌عنوان مثال، در یوتا، بیش از ۱۰۰ داوطلب آموزش دیده‌اند تا تغییرات و آسیب‌ها را در سایت‌های هنر سنگی نظارت و گزارش کنند. این برنامه به داوطلبان امکان می‌دهد تا به‌طور دوره‌ای و مسئولانه از سایت‌ها بازدید کرده و آسیب‌ها را شناسایی کنند. هدف این برنامه "صفر خرابکاری باستان‌شناسی" است (ویست، ۲۰۲۱).

این نوع شیوه‌های حفاظتی با اصول اخلاقی که توسط انجمن‌های مختلف مانند انجمن تحقیقات هنر سنگی یوتا (URARA) تأسیس شده‌اند همخوانی دارد. یکی از این اصول، به‌ویژه در فهرست اخلاق بازدید از سایت‌های هنر سنگی URARA آمده است که می‌گوید: «در مورد فاش کردن سایت‌ها، به‌ویژه از طریق اینترنت، دقت کنید». به‌ویژه در دنیای امروز، استفاده از تلفن‌های هوشمند و دوربین‌های مجهز به سیستم موقعیت‌یاب جهانی (GPS) می‌تواند مکان دقیق سایت‌ها را در عکس‌ها ثبت کند و این اطلاعات می‌تواند توسط دیگران برای پیدا کردن سایت‌ها استفاده شود (URARA n.d.). شبکه‌های اجتماعی به یک چالش جدی برای حفاظت از سایت‌های هنر سنگی روستایی تبدیل شده‌اند، زیرا این شبکه‌ها می‌توانند مکان‌های حساس که حفاظت‌کنندگان و مدیران امنیت تمایل به پنهان نگه‌داشتن آن‌ها دارند، به‌طور عمومی منتشر کنند.

۷. چالش رسانه‌های اجتماعی در حفاظت از سایت‌های هنر صخره‌ای

زیبایی هنری و اهمیت فرهنگی بسیاری از آثار هنر صخره‌ای سبب شده است که این آثار به‌طور فزاینده‌ای در کانون توجه علاقه‌مندان به رسانه‌های اجتماعی، به‌ویژه رسانه‌های تصویری و ویدیویی، قرار بگیرند. برای مثال، جستجو با هشتگ #petroglyphs در اینستاگرام در هر دوره بیست و چهار ساعته تعداد زیادی تصویر از آثار هنر صخره‌ای روستایی جنوب غربی ایالات متحده را به نمایش می‌گذارد. بسیاری از این تصاویر آثار تخریب‌گری را به وضوح نشان می‌دهند و بسته به منبع، ممکن است شامل اطلاعات مکانی دقیق یا حتی بدون هیچ‌گونه داده مکانی باشند.

سایت‌های اشتراک ویدیو مانند یوتیوب نیز میزبان حجم زیادی از ویدیوهای تولیدی شخصی از بازدیدهای سایت‌های هنر صخره‌ای هستند که برخی از آن‌ها اطلاعات مکانی مختلفی را در خود دارند.

در هر دو حالت، سایت‌ها به طور منظم با واژه‌هایی مانند "مخفی" یا "دست نخورده" توصیف می‌شوند و به طور غیر مستقیم این طور نشان داده می‌شود که این سایت‌ها توسط عکاس یا تولیدکننده ویدیو «کشف شده‌اند». گاهی اوقات برای گرفتن تصاویر از سایت‌هایی که دسترسی به آن‌ها دشوار است، از پهپادها استفاده می‌شود. برخی از این تصاویر ممکن است شامل نسخه‌هایی از علائم «ورود ممنوع» یا «نیاز به مجوز دسترسی» باشند که گمان می‌رود تولیدکننده این تصاویر آن‌ها را نقض کرده است. حتی در شرایطی که مکان‌های سایت‌ها به‌طور صریح به اشتراک گذاشته نمی‌شوند، ویژگی‌های مکان‌یابی جغرافیایی^۱ در رسانه‌های اجتماعی یا متاداده تصاویر می‌توانند مکان دقیق سایت‌ها را افشا کنند. این به این معنا است که دنبال‌کنندگان رسانه‌های اجتماعی می‌توانند خودشان مکان‌ها را شناسایی کرده و از این سایت‌ها بازدید کنند.

نشان‌هایی نیز وجود دارد که برخی از سایت‌ها ممکن است به‌طور خاص برای جذب توجه به ویژگی‌هایشان در رسانه‌های اجتماعی و تخریب گری شوند. این تخریب گری می‌تواند در قالب تغییرات در نام‌گذاری عکس‌ها یا حتی آسیب به آثار هنری باشد که پیش از ظهور اینترنت نیز وجود داشته است (چافه، هایمن و رو،^۲ ۱۹۹۴). این روند تهدیدی جدی برای امنیت سایت‌های هنر صخره‌ای روستایی است که پیش از این تنها برای گروه‌های محدود و متخصص قابل دسترسی بودند.

مدیران سایت‌های هنر صخره‌ای که در این تحقیق مصاحبه شدند، نگرانی‌های جدی درباره تهدیدهایی که رسانه‌های اجتماعی به‌وجود می‌آورند ابراز کردند. آن‌ها به‌ویژه از چالش‌هایی که ویژگی‌های جغرافیایی رسانه‌های اجتماعی ایجاد می‌کنند، نگران بودند. رسانه‌های اجتماعی به‌طور گسترده مکان‌های جغرافیایی سایت‌ها را نشان می‌دهند و این ویژگی باعث می‌شود که دنیای وسیع و باز روستایی به مجموعه‌ای از نقاط خاص تبدیل شود که مردم می‌توانند به آن‌ها دسترسی پیدا کنند. هرچند این امر ممکن است تعداد بازدیدکنندگان سایت‌ها را افزایش دهد، اما خطر تخریب

۱ . مکان‌یابی جغرافیایی (Geolocation) به فرآیند شناسایی و تعیین موقعیت جغرافیایی یک شیء، فرد یا دستگاه در روی سطح زمین گفته می‌شود. این فرآیند معمولاً با استفاده از فناوری‌های مختلف مانند سیستم‌های موقعیت‌یابی جهانی (GPS)، شبکه‌های مخابراتی، وای‌فای و سیگنال‌های موبایل انجام می‌شود. مکان‌یابی جغرافیایی اطلاعات دقیق و زمان‌واقعی از موقعیت فرد یا شیء را فراهم می‌آورد که در کاربردهای مختلفی مانند نقشه‌های آنلاین، خدمات موقعیت‌محور، ردیابی وسایل نقلیه، و حتی در تحلیل‌های اجتماعی و امنیتی استفاده می‌شود. این فناوری می‌تواند به مدیریت بهتر منابع، ارائه خدمات شخصی‌سازی‌شده، و بهبود امنیت و نظارت کمک کند.

نیز به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد. مدیران همچنین نگران‌اند که جغرافیایی‌سازی سایت‌های هنر صخره‌ای دورافتاده و بدون نظارت، می‌تواند سرقت هدفمند آثار هنری را تسهیل کند.

اگرچه آمار رسمی در مورد تخریب‌گری در سایت‌های هنر صخره‌ای در جنوب غربی ایالات متحده وجود ندارد، مدیرانی که مصاحبه شدند، اظهار کردند که بیشتر اعمال اخیر تخریب‌گری در این سایت‌ها توسط گردشگران خارجی انجام شده است. این گردشگران معمولاً افرادی هستند که تجربه کمی در رعایت رفتار محترمانه در سایت‌های فرهنگی دارند و بسیاری از آن‌ها به‌طور خاص از طریق رسانه‌های اجتماعی به این سایت‌ها جذب شده‌اند. به‌ویژه در دوران محدودیت‌های COVID-۱۹، گردشگران شهری بیشتری به مکان‌های روستایی سفر کرده‌اند و این روند منجر به افزایش قابل توجه بازدیدها از سایت‌های هنری صخره‌ای شده است. این افزایش بازدیدها با افزایش تخریب‌گری هم‌زمان بوده است.

این تغییرات می‌تواند آسیب‌های جدی به سایت‌های هنر صخره‌ای وارد کند. با توجه به محدودیت‌های سفر در دوران کرونا، گردشگران جدیدی به سایت‌ها وارد شده‌اند که احتمالاً در معرض رفتار نادرست یا خرابکاری قرار دارند. این امر، به ویژه در مواقعی که سایت‌ها از نظر جغرافیایی در مکان‌های دورافتاده قرار دارند، باعث افزایش نگرانی‌ها در خصوص تخریب و سرقت آثار هنری می‌شود.

به‌طور کلی، رسانه‌های اجتماعی نه تنها به‌طور قابل توجهی خطر تخریب آثار هنری را افزایش داده‌اند، بلکه مشکلات جدیدی را در مدیریت امنیت سایت‌های هنر صخره‌ای ایجاد کرده‌اند که مدیران باید به آن‌ها توجه بیشتری داشته باشند. این پدیده نیازمند سیاست‌های حفاظت دقیق‌تر و شیوه‌های نظارتی مناسب است تا از آسیب‌های بیشتر به این میراث فرهنگی جلوگیری شود. یکی از چالش‌های اصلی در این راستا، محدود کردن دسترسی به اطلاعات جغرافیایی دقیق سایت‌ها است تا از گسترش تهدیدات جلوگیری شود.

۸. بررسی نقش فعال اشیاء^۱ و جرم

هدف این بخش، ارائه توضیحاتی در مورد پیچیدگی‌های امنیت و سیاست گذاری پلیس در حفاظت از سایت‌های هنر صخره‌ای در مناطق روستایی است. به نظر می‌رسد که مدل‌های موجود در جرم‌شناسی که بیشتر براساس شهر طراحی شده‌اند، برای درک تخریب‌گری و همچنین توسعه سیاست‌های مناسب جهت پیشگیری از آن در هنر صخره‌ای و سایت‌های مشابه در مناطق روستایی و دورافتاده، چندان کارآمد نیستند. در این بحث، دیدگاه‌هایی را درباره چگونگی الگوهای ضدانتظاری جرم در این مکان‌های دورافتاده و روستایی ارائه خواهیم داد.

نظریه‌های موجود مانند نظریه‌های فرصت‌مدار شهری، مطرح می‌کنند که مجرمان زمانی مرتکب جرم می‌شوند که پاداش بالا و خطر کم باشد. اما در مورد هنر صخره‌ای، شاهد الگوی متفاوتی هستیم. به عنوان مثال، نظریه فعالیت‌های روزمره بیان می‌کند که نبود نگرهبان می‌تواند شانس وقوع تخریب‌گری را افزایش دهد. با این حال، در مورد هنر صخره‌ای، خود سایت‌ها ممکن است به دلیل عوامل که پیش‌تر به آنها اشاره شد، "نامناسب" به نظر برسند.

سایت‌های هنر صخره‌ای در مناطق روستایی، معمولاً فاقد تهدیدات بالقوه از سوی مجرمان هستند و تنها مجرمان با انگیزه بالا، به طور خاص این سایت‌ها را برای ارتکاب جرم انتخاب می‌کنند. بنابراین، بسیاری از تدابیر عملی که در نظریه‌های مبتنی بر شهر مطرح می‌شوند، برای سایت‌های هنر صخره‌ای دورافتاده کاربردی نیستند.

ماموران مسئول پیشگیری از تخریب‌گری در این سایت‌ها بیشتر به شیوه‌های نظارتی و کنترلی با منابع محدود، مانند عدم اشتراک‌گذاری اطلاعات مکانی برای بیشتر سایت‌ها، تکیه دارند. این در حالی است که افزایش گشت‌های پلیسی یا سخت‌سازی امنیت سایت‌های شناخته شده هنر صخره‌ای، هم از نظر لجستیکی و هم از نظر مالی غیرممکن است. علاوه بر این، این اقدامات ممکن است توجه بیشتری را به سایت‌ها جلب کرده و به وقوع همان وندالیسم‌هایی که قصد جلوگیری از آن را دارند، منجر شوند.

۱. یا «عاملیت اشیاء» یک مفهوم فلسفی و اجتماعی است که به نقش و تاثیر اشیاء یا ابزارها در شکل‌دهی به رفتارها و تعاملات انسانی اشاره دارد. در این دیدگاه، اشیاء صرفاً به‌عنوان ابزاری برای انجام کارها یا مقاصد انسانی دیده نمی‌شوند، بلکه خود به‌عنوان عوامل فعال در فرآیندهای اجتماعی، فرهنگی و حتی جرم‌شناسی در نظر گرفته می‌شوند. به عبارت دیگر، اشیاء می‌توانند به طور غیرمستقیم رفتار انسان‌ها را تحت تأثیر قرار دهند یا مسیری را که در آن فعالیت‌های انسانی پیش می‌رود، هدایت کنند. در نظریه‌های مختلف، اشیاء می‌توانند نقش‌هایی فراتر از کارکرد اولیه خود ایفا کنند و به‌عنوان "عاملی" که تعاملات اجتماعی را به‌وجود می‌آورد یا تغییر می‌دهد، شناخته شوند. این مفهوم در زمینه‌های مختلفی مانند جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و فلسفه اجتماعی مطرح می‌شود و به‌ویژه در تحلیل تعاملات بین انسان و اشیاء، یا به اصطلاح «عاملیت» اشیاء، اهمیت پیدا می‌کند. به طور مثال، در برخی نظریه‌ها گفته می‌شود که یک شیء خاص (مثل آثار هنری یا تجهیزات خاص) می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب جرم یا تغییر در رفتارهای اجتماعی شود.

مهم‌تر از همه، در مفهوم خاصی، هنر صخره‌ای چیزی است که نمی‌توان آن را شکست یا تغییر داد. یکی از اصول اصلی نظریه "شکستن پنجره" این است که محیط‌های ضعیف نگهداری‌شده، مجرمان را به ارتکاب جرم تحریک می‌کنند. به ویژه گرافیتی، به طور مداوم گرافیتی بیشتری را جذب می‌کند، در حالی که پاک‌سازی آن می‌تواند از وقوع گرافیتی‌های بعدی جلوگیری کند. هنر صخره‌ای به‌طور ذاتی توسط انسان با خط‌خطی کردن، حکاکی یا نقاشی روی یک سطح سنگی تولید می‌شود، عملی که مشابه گرافیتی است. به همین دلیل، هنر صخره‌ای به طور غیر مستقیم ممکن است دیگر خط‌خطی‌ها، حکاکی‌ها، نقاشی‌های مشابه را جذب کند. همانطوری که موری اشاره می‌کند، "برخی از این آثار ممکن است باقی بمانند و به عنوان 'هنر صخره‌ای' آینده تبدیل شوند" (موری، نقل شده در فرناندس ۱ ۲۰۰۹). بنابراین، حذف آثار اصلی به منظور جلوگیری از وندالیسم بیشتر، هدف را نقض می‌کند.

جذب افراد به سایت‌های هنر صخره‌ای در مکان‌های روستایی، خود یک عامل کمتر بررسی شده در مطالعات جرم‌شناسی است. س. کوهن (۱۹۷۳) در طبقه بندی کلاسیک خود، تخریب‌گری را به عنوان "آسیب جزئی به اموال" و "نوشتن" معرفی می‌کند و این نوع تخریب‌ها را به عنوان یک ویژگی نهادینه شده می‌داند که انتظار می‌رود در این سایت‌ها اتفاق بیفتد. با این حال، اشاره به ویژگی‌های اثرگذاری که هنر صخره‌ای دارد و تأثیر آن بر رفتار مردم، به ویژه در پاسخ به این آثار، تا حدودی نادیده گرفته می‌شود. فرض اینکه یک شیء (هنر صخره‌ای) ممکن است مردم را به ارتکاب جرم (وندالیسم) ترغیب کند، اقدامی جسورانه و بدون آزمایش است. با این وجود، درک دقیق‌تر از روابط بین هنر صخره‌ای و افرادی که با آن تعامل دارند، می‌تواند پیامدهای بزرگی برای شیوه‌های سیاست‌گذاری پلیس و حفاظت از این سایت‌ها داشته باشد که به ویژه در مدل‌های موجود شهری قابل درک نیست.

۹. نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به بررسی چالش‌ها و شیوه‌های حفاظت از سایت‌های هنر صخره‌ای در مناطق روستایی و دورافتاده پرداخته و به‌ویژه به تحلیل تأثیرات رسانه‌های اجتماعی بر امنیت این سایت‌ها متمرکز شده است. از طریق این تحقیق، مشخص شده است که دسترسی روزافزون به سایت‌های هنر صخره‌ای، به‌ویژه از طریق فناوری‌های نوین و رسانه‌های اجتماعی، نه تنها موجب افزایش تعداد بازدیدکنندگان می‌شود، بلکه به‌طور قابل توجهی خطر تخریب و سرقت آثار هنری را نیز افزایش می‌دهد. این موضوع به‌ویژه در شرایطی که تصاویر و اطلاعات مکان‌محور در این شبکه‌ها به اشتراک

گذاشته می‌شوند، تهدیدی جدی به حساب می‌آید. به‌طور خاص، اشتراک‌گذاری مکان‌های دقیق سایت‌ها در رسانه‌های اجتماعی و متاداده‌های تصاویر می‌تواند موجب جلب توجه افرادی شود که ممکن است قصد تخریب یا سرقت این آثار را داشته باشند. این یافته‌ها تأکید می‌کند که رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان یک عامل تسریع‌کننده، نقشی عمده در گسترش تهدیدات امنیتی این سایت‌ها ایفا می‌کنند.

علاوه بر این، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مدل‌های جرم‌شناسی شهری، که عمدتاً برای درک رفتار مجرمان در مناطق شهری طراحی شده‌اند، در زمینه حفاظت از سایت‌های هنر صخره‌ای در مناطق روستایی و دورافتاده چندان کارآمد نیستند. در این مناطق، ویژگی‌های خاص سایت‌های هنر صخره‌ای و نوع تعاملات مجرمان با این آثار، نیازمند رویکردهایی متفاوت و بومی است. به‌عنوان مثال، برخلاف مدل‌های شهری که بر اساس دسترسی آسان به جرم و پاداش آن شکل می‌گیرند، در سایت‌های هنر صخره‌ای، جرم عمدتاً توسط مجرمان با انگیزه بالا و در مکان‌هایی دورافتاده اتفاق می‌افتد. بنابراین، رویکردهای مرسوم مبتنی بر گشت‌زنی‌های پلیسی یا نظارت فیزیکی مداوم در این زمینه چندان کارآمد نیستند. به‌جای این اقدامات، محدود کردن اشتراک‌گذاری اطلاعات مکانی و تکیه بر شیوه‌های نظارتی غیرمستقیم مانند استفاده از فناوری‌های نوین، همچون پهپادها و دوربین‌های خودکار، می‌تواند به‌طور مؤثرتری از تخریب‌گری در این سایت‌ها پیشگیری کند.

در نتیجه، حفاظت از این سایت‌ها نیازمند رویکردی جامع، انعطاف‌پذیر و مبتنی بر واقعیت‌های خاص این مناطق است. این رویکرد باید شامل تدابیر امنیتی منعطف، نظارت با منابع محدود، و همچنین ایجاد آگاهی عمومی در خصوص اهمیت حفظ این آثار باشد. علاوه بر اقدامات حفاظتی، لازم است که آموزش‌های عمومی برای مردم به‌ویژه گردشگران در مورد احترام به سایت‌ها و آگاهی از خطرات ناشی از وندالیسم و تخریب‌گری ارائه شود. چنین برنامه‌هایی نه‌تنها در پیشگیری از تخریب‌ها مؤثر هستند بلکه به‌طور مستقیم در بهبود رابطه جامعه با میراث فرهنگی تأثیرگذار خواهند بود.

از آنجا که حفاظت از سایت‌های هنر صخره‌ای به‌عنوان یک چالش مدیریتی مهم در دنیای مدرن شناخته می‌شود، این مقاله همچنین بر لزوم بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در این زمینه تأکید دارد. استفاده از سیستم‌های نظارتی خودکار و مشارکتی می‌تواند به‌طور مؤثری این تهدیدات را کاهش دهد. به‌طور خاص، پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آینده به توسعه فناوری‌های نظارتی پیشرفته و مدل‌های جدید مدیریت گردشگری توجه بیشتری صورت گیرد تا به‌صورت جامع و بر اساس شواهد علمی و تجربی، راهکارهایی برای پیشگیری از تخریب و حفظ این سایت‌ها توسعه یابد.

در نهایت، حفاظت از سایت‌های هنر صخره‌ای نه تنها یک مسئولیت فرهنگی و اجتماعی است، بلکه یک ضرورت مدیریتی در دنیای امروز به شمار می‌آید. با توجه به تأثیرات فزاینده رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های نوین، نیازمند مداخلات هوشمندانه، برنامه‌ریزی دقیق و توسعه رویکردهای حفاظتی نوآورانه هستیم تا این آثار ارزشمند برای نسل‌های آینده حفظ شوند و همچنان به‌عنوان بخشی از میراث بشری به جهان معرفی گردند.

۱۰. پیشنهادات برای تحقیقات آینده

در این زمینه، تحقیقات بیشتری برای بررسی شیوه‌های جدید نظارت و مدیریت مشارکتی سایت‌های هنر سنگی با استفاده از فناوری‌های نوین، مانند سیستم‌های نظارتی مبتنی بر پهپادها و دوربین‌های خودکار، ضروری است. همچنین، باید مطالعه شود که چگونه مدیریت گردشگری می‌تواند در کاهش تخریب سایت‌ها و افزایش آگاهی عمومی از اهمیت این آثار نقش ایفا کند.

منابع

الف) منابع انگلیسی

1. Alexander, M.) 2019(. Rural communities “not immune” as organised crime gangs target Courier Country farms. Courier, May 10. Accessed January 25, 2021. <https://www.thecourier.co.uk/fp/news/scotland/888727/ruralcommunities-not-immune-as-organised-crime-gangs-targetcourier-country-farms/>
2. Carter, D.)1984(. Vandalism: Overview and prospect. In Vandalism, behaviour and motivations, ed. C. L_levy- Leboyer, 345–56. Amsterdam: Elsevie
3. Cisneros, H. G.)1995(. Defensible space: Detering crime and building community. Washington, DC: U.S. Department of Housing and Urban Development.
4. Chaffee, S. D., H. Hyman, and M. W. Rowe. (1994). Vandalism of rock art for enhanced photography. *Studies in Conservation* 39 (3):161–68. doi: 10.1179/SIC.1994.39. 3.161.
5. Cohen, L. E., and M. Felson.)1979(. Social change and crime rate trends: A routine activity approach. *American Sociological Review* 44 (4):588–608. doi: 10.2307/2094589.
6. Cohen, S.)1973(. Property destruction: Motives and meanings. In Vandalism, ed. C. Ward, 23–53. London: The Architectural Press.
7. Donnermeyer, J. F., and P. G. Howard. (1981). The nature of vandalism among rural youth. *Economics and Sociology Occasional Paper No. 799*, Ohio State
8. University, Department of Agricultural Economics and Rural Sociology. <http://hdl.handle.net/1811/67399>.

9. De Wet, C.)2004(. The extent and causes of learner vandalism at schools. *South African Journal of Education* 24 (3): 206–11.
10. Fernandes, A. P. B.)2009(. Vandalism, graffiti or “just” rock art? The case of a recent engraving in the C^oa Valley rock art complex in Portugal. In *Congresso Internacional da IFRAO 2009*, 729–43. Piau_1, Brasil: IFRAO. <https://comum.rcaap.pt/bitstream/10400.26/23616/1/Fernandes2009c%20%20Piau%C3%ADVandalism.pdf>.
11. Golio, J. J., and E. Snyder.)1993(. *Petroglyph surveys of South Mountain: 1991/1964*. San Diego, CA: San Diego Museum
12. Geason, S., and P. R. Wilson. 1990. *Preventing graffiti and vandalism*. Canberra, ACT, Australia: Australian Institute of Criminology.
13. L_ Levy-Leboyer, C.)1984(. *Vandalism and the social sciences*. In *Vandalism, behaviour and motivations*, ed. C. L_ Levy- Leboyer, 1–12. Amsterdam: Elsevier .
14. Lynch, J. P., and D. Cantor.)1992(. Ecological and behavioral influences on property victimization at home: Implications for opportunity theory. *Journal of Research in Crime and Delinquency* 29 (3):335–62. doi: 10.1177/0022427892029003005
15. Newman, O.)1972(. *Defensible space: People and design in the violent city*. New York: Macmillan
16. Tijerino, R.)1998(. Civil spaces: A critical perspective of defensible space. *Journal of Architectural and Planning Research* 15 (4):321–37.
17. Weisheit, R. A., and L. E. Wells.)1996(. Rural crime and justice: Implications for theory and research. *Crime & Delinquency* 42 (3):379–97. doi: 10.1177/0011128796042003003.
18. Weist, E. F. n.d. Safeguarding Utah’s prehistoric rock art. Utah Department of Heritage and Arts. Accessed January 26, 2021. <https://heritageandarts.utah.gov/safeguarding-utahs-prehistoric-rock-art/>
19. Wilson, J. Q., and G. L. Kelling.)1982(. Broken windows: The police and neighborhood safety. *The Atlantic Monthly*, March. Accessed January 25, 2021. <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/1982/03/brokenwindows/304465/>.
20. Poyser, B., and S. Poyser. (2018). Social deviance theories: Can they explain rural vandalism in the twenty-first century? *Deviant Behavior* 39 (1):35–45. doi: 10.1080/01639625.2016.1260382.
21. Scott, M. L., N. G. La Vigne, and T. Palmer. (2007). *Preventing vandalism*. Washington, DC: The Urban Institute Justice Policy Center.
22. Somerville, P., R. Smith, and G. McElwee. (2015). The dark side of the rural idyll: Stories of illegal/illicit economic activity in the UK countryside. *Journal of Rural Studies* 39:219–28. doi: 10.1016/j.jrurstud.2014.12.001.